



وین این روزها شاهد مذاکراه دیگر است؛ مذاکره برای یافتن راه‌حل پایان‌دادن به جنگ و خشونت چهارساله در سوریه؛ بحرانی که ادامه‌یافتن آن صدمه‌های غیرقابل جبرانی دارد آن‌هم بر بخش‌هایی از زیست بشری که شاید در نگاه اول به چشم‌مان نیاید. دیدن میلیون‌ها آواره و پناهنده سوری احتمالا کمتر جایی برای فکرکردن به محیط‌زیست سوریه یا تغییرات بیولوژیک بدن کودکان در طول جنگ باقی می‌گذارد، اما با آمدن صلح، تبعات جنگ یکی‌یکی خودشان را به معرض تماشای می‌گذارند؛ تبعاتی که از همین حالا هم قابل پیش‌بینی است و کارشناسان و سازمان‌های بی‌طرف بین‌المللی درباره آنها هشدار می‌دهند.

نفت خام و تخریب محیط‌زیست

جنگ داخلی در سوریه پشت‌سر خود ردپایی سمی از آلودگی‌های نظامی به‌جا گذاشته است. فلزات سنگین موجود در مهمات، باقی‌مانده‌های سمی بمب‌ها، تخریب ساختمان‌ها و منابع آب، هدف قراردادن مناطق صنعتی و… همه اثرات منفی درازمدت در جوامع جنگی خواهد داشت. فعالیت‌های نظامی در سوریه در طول چهار سال گذشته نشان می‌دهد الاینده‌ها و آلودگی‌های غیرمستقیم جنگ میراث سمی بلندمدتی برای محیط‌زیست داشته و می‌تواند به مشکلات گسترده در حوزه بهداشت عمومی در سال‌های آینده تبدیل شود. البته محققان معتقدند با وجود ادامه خشونت در سوریه هنوز ارائه یک ارزیابی کامل از دامنه خطرات تهدیدکننده سلامتی انسان و محیط‌زیست خیلی زود است.
بالین‌حال، مؤسسه هلندی PAX که سازمانی غیردولتی و صلح‌گر است، در مطالعه جدید خود دست به نقشه‌برداری از برخی مناطق سوریه زده که نشان می‌دهد طیف وسیعی از مشکلات محیط‌زیستی و بهداشتی را در این مناطق می‌توان بد. بنا بر گزارش این مؤسسه، استفاده زیاد از سلاح‌های کالیبر بزرگ در محاصره طولانی‌مدت برخی از شهرهای سوریه مانند حمص و حلب، استفاده از انواع مهمات با مواد سمی شناخته‌شده مانند فلزات سنگین و باقی‌مانده مواد منفجره توپخانه‌ها مانند TNT، همگی انواع و اقسام مواد سرطان‌زا را در اطراف این کشور پراکنده است، برای مثال «بمب‌های بشکه‌ای» استفاده‌شده در این جنگ حاوی صدها کیلوگرم مواد سمی بودند که این مواد پس از انفجار بمب به‌راحتی قابل تمیزکردن نیستند. از سوی دیگر، شورشیان عموما خودشان دست به تولید سلاح و مهمات می‌زنند. ساخت چنین سلاح‌هایی نیاز به تخصص حرفه‌ای و محیط کاری امن دارد که شورشیان، از آن بی‌بهره هستند و همین استفاده از مواد شیمیایی در محیطی غیرآزمایشگاهی خطرات بی‌شماری برای سلامتی انسان و محیط زندگی او در پی دارد. جالب اینکه در بسیاری مواقع برای حمل مهمات و مواد شیمیایی مورد نیاز شورشیان از کودکان استفاده می‌شود که خود این موضوع به شمار خطرات بهداشتی تهدیدکننده جان انسان‌ها می‌افزاید. به‌علاوه ساختمان‌های مورد اصابت بمب و خمپاره به انواع مواد سمی آلوده هستند. این مواد سمی مانند آژست معمولاً تا مدت‌ها در خانه، منابع آب و حتی در محیط‌های بازار مثل مزارع باقی می‌مانند، در برخی از شهرهای سوریه که آوارگان شروع به بازگشت به آنها کرده‌اند، این خطرات جدی‌تر است. علاوه بر این، نبود مدیریت زباله در مناطق شهری گنگ‌زده مانع زوددم مواد سمی است که می‌تواند تأثیر جدی بلندمدت داشته باشد. اما آنچه تحت عنوان فاجعه زیست‌محیطی در سوریه شناخته می‌شود، غارت مواد نفتی توسط شورشیان و افراد غیرنظامی و غیرماهر در مناطق نفت‌خیز سوریه است. استخراج و پالایش اولیه نفت توسط گروه‌های محلی در مناطق تحت کنترل شورشیان باعث گسترش گازهای سمی، آلودگی آب و خاک در این مناطق است. استخراج غیراصولی نفت باعث آلودگی خاک و سفره‌های زیرزمینی آب به نفت‌خام در این مناطق شده است. درحال حاضر، گزارش‌های از شیوع بیماری‌هایی مرتبط با نشت نفت در شهرهایی نظیر دیرالزور ارائه شده است که وضعیت این شهر را در شرایط هشدار نشان می‌دهد. بنا بر گفته یک پزشک محلی، بیماری‌های شایع در این مناطق عبارت هستند از سرفه‌های مداوم و سوختگی با مواد شیمیایی که قابلیت این را دارند که تبدیل به تومور شوند. درحال حاضر این مناطق تبدیل به مناطق غیرقابل کشاورزی هم شده‌اند که خود تأثیراتی جدی برای سلامت انسان به همراه خواهد داشت.

شلیک به مغز کودک

وقتی صحبت از جنگ به میان می‌آید، کودکان در میان گروه‌های آسیب‌پذیر قرار می‌گیرند. البته کودکان معصولا از درگیری‌های فیزیکی جان سالم به‌در می‌برند اما این موضوع نباید ما را از نگران‌بودن درباره سلامت کودکان باز دارد. سلامتی جسمی و روانی کودکان جنگ‌زده در درازمدت یکی ازغدغه‌های اصلی سازمان‌های مدافع حقوق‌بشر است. دراین‌میان سازمان «ورلد وِیژن» (worldvision) که در زمینه حقوق کودک فعالیت می‌کند، مطالعاتی را در زمینه سلامت کودکان بازمانده از جنگ سوریه انجام داده است. «الیسون شافر»، مشاور ارشد برنامه سلامت روان و حمایت روانی این سازمان، در گزارش خود درباره تأثیرات جنگ بر کودکان سوری می‌نویسد: «جنگ بیش از هر چیز کودکان را در شرایطی استرس‌زا و غیرقابل تحمل قرار می‌دهد که بر رشد مغزی کودک اثرگذار است».

تبعات جنگ می‌تواند سال‌ها پس از پایان آن ادامه پیدا کند

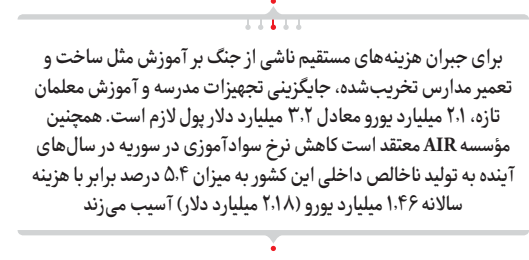
سوریه بر خاکستر جنگ

مهسا علی‌بیگی



عکس AP

او اضافه می‌کند: «وقتی سیستم پاسخ‌گویی به استرس برای مدت‌زمانی طولانی فعال بماند، سطوح بالای از هورمون استرس کورتیزول در خون تولید می‌شود که به ناحیه هیپوکامپ مغز آسیب می‌زند و کودکان را با مشکلات یادگیری، مشکلات حافظه کوتاه‌مدت و مشکل کنترل احساسات مواجه می‌کند». شافر تأکید می‌کند: «مغز مانند یک ماهیچه است و در دوران کودکی، فقط آن نورون‌ها و رشته‌های عصبی‌ای که مورد استفاده قرار گیرند، در مغز تقویت می‌شوند وگرنه می‌میرند، به همین دلیل مغز کودک نیاز به استفاده مکرر و تحریک از طریق روابط با خانواده، تعامل اجتماعی و آموزش‌وپرورش دارد. غفلت از کودکان جنگ‌زده می‌تواند به اختلال شدید در رشد شناختی، جسمی و روانی کودک منجر شود که میراث ماندگار جنگ است». ورسد وِیژن با برخی از کودکان سوری که با آواره شده‌اند یا عزیزان و پدر و مادر خود را در جنگ از دست داده‌اند، به گفت‌وگو نشسته است. شافر می‌نویسد در جریان این گفت‌وگوها مشخص شد حتی کودکانی که والدین خود را از دست نداده بودند نیز با چالش‌های بسیاری دست‌به‌گریبان بودند، زیرا والدینی که قرار است حمایتگر باشند و به کودکانشان عشق بورزند، خود درگیر جنگ با آواره هستند و این تنش‌های مداوم اثرات قوی و ماندگار بر رشد احساسی و اجتماعی کودکان دارد. این



چالش‌ها هم کودکان باقی‌مانده در سوریه و هم کودکان آواره در تهدید می‌کند. شافر همچنین معتقد است: «تحقیقات ما نشان می‌دهد جنگ می‌تواند شکل مغز کودکان را تغییر دهد. اگر ما حمایت کافی از کودکان سوری نداشته باشیم و آنها را به حال خود رها کنیم، جنگ تأثیر ماندگاری بر توانایی یادگیری کودکان سوری، حافظه، تعاملات اجتماعی، استرس و ترس و توانایی کنترل احساسات آنها در آینده خواهد داشت. این تجارب ممکن است به نسل بعدی نیز منتقل شود و ما نسل‌هایی از افراد دچار مشکلات روان را که خود مشکلات اجتماعی و اقتصادی در پی خواهد داشت، در سوریه شاهد باشیم». این محقق می‌گوید: «یک باور شایع اما غلط وجود دارد که کودکان حوادث استرس‌زا یا خشونت‌آمیز را درک نمی‌کنند و بنابراین مانند بزرگسالان تحت‌تأثیر آن قرار نمی‌گیرند. این موضوع این است برعکس ذهن جوان کودک توانایی این را دارد که دست به پردازش حتی غلّوآمیز از شرایط بزند. آنچه ما در تحقیقاتمان مشاهده کردیم، نشان می‌دهد کودکان دچار این بحران با مشکل تأخیر در رشد و همچنین کاهش توانایی یادگیری مواجه هستند که آنها را طی‌کردن مدارج علمی محروم می‌کند».

مدرسه توپخانه می‌شود

یکی دیگر از حوزه‌هایی که در طول جنگ در سوریه به‌شدت آسیب

زاویه

یک مفهوم

حقوقی که رعایت نشد

پس از پایان جنگ جهانی اول و وضعیتی که این جنگ در دنیا به وجود آورد، کشورهای جهان مجبور شدند راه چاره‌ای برای جنگ‌های آینده و جلوگیری از آنچه کشورهای دول محور (آلمان، ایتالیا و ژاپن) دربارۀ غیرنظامیان انجام دادند، در پیش گیرند. به همین دلیل همه کشورها در ژنو، چهار کنوانسیون را به تصویب رساندند که در حقوق بین‌الملل و قوانین مخاصمات مسلحانه به کنوانسیون‌های چهارگانه معروف است. براساس این کنوانسیون‌ها، حین جنگ مراکز غیرنظامی حتی آن دسته از مراکز صنعتی و اقتصادی که مربوط به مسائل جنگ و تولید سلاح و لوازم جنگی یا مرتبط با جنگ نیست، باید از بمباران و هرگونه حمله مصون باشند. همچنین در این کنوانسیون‌ها بر تأمین حقوق غیرنظامیان و حمله‌نگردن به آنان و همچنین مصونیت و محفوظماندن مراکز اجتماعات مردم مانند مراکز مذهبی و تحصیلی و همچنین مناطقی که مردم برای امور زندگی خود یا تأمین نیازهای خویش در آنها اجتماع می‌کنند، در معنای عام و کلی یعنی بازارها و نیز مراکز درمانی و بهداشتی و بیمارستان‌ها و نیز مصون‌ماندن آثار تاریخی و فرهنگی یا مراکزی که جزء مقدسات مردم و پیروان آیین‌های خاص باشد، تأکید شده است. علاوه بر مواردی که برشمردیم، در جنگ مسلحانه از سلاح‌هایی که منجر به کشتار جمعی می‌شود، استفاده نباید شود. به همین دلیل چنان‌که گفته شد، چون رعایت قوانین و مقررات برای دولت‌هایی که این کنوانسیون‌ها را امضا کرده‌اند، الزام‌آور است و قطعاً ترویرست‌ها از این مقررات بین‌المللی تبعیت نمی‌کنند. کشورهای دی نفع در بحران سوریه مانند ترکیه به‌جای اینکه مستقیماً وارد حمله شوند، امکانات و تسهیلات لازم برای ورود ترویرست‌ها را فراهم کردند یا مانند بعضی از کشورهای نفت‌خیز، تأمین مالی و لجستیکی آنان را به عهده گرفتند. به‌همین دلیل جنگ به جای اینکه از طرف دولت‌ها مستقیماً صورت گیرد از طرف ترویرست‌هایی از دولتی در این منازعات شرکت کردند و عملاً چنان‌که دیدیم این ترویرست‌ها از حمله به هیچ‌یک از اماکن و مناطقی که نام برده شد، خودداری نکردند و در حمله به مراکز مذهبی سوریه که مورد احترام بیش از یک‌میلیارد و ۳۰۰ میلیون نفر از مردم مسلمان جهان است، درخ نکردند و درواقع می‌خواستند با این کار دامنه نفاق و کینه را بین مردم افزون‌تر کنند. آنان این اقدامات را برای تحریک بیشتر و شعله‌ورترشدن جنگ انجام می‌دادند و نتیجه به وضعیتی رسیده است که می‌بینیم، از طرف دیگر، در این منازعه از به کارگرفتن سلاح‌های کشتار جمعی دریغ نشد که درنهایت تدابیری برای آن اندیشیده شد و زرادخانه سلاح‌های شیمیایی سوریه نابود شد هرچند هنوز طرفین منازعه یکدیگر را متهم به استفاده از این سلاح‌ها یا بشکه‌های انفجاری می‌کنند. لازم

است اشاره شود جنگ جهانی دوم یا شکست دول محور یا متحدین پایان یافت ولی هرگز رفتار خلاف شئون انسانیت نیروهای آلمان، ایتالیا و ژاپن در زیر پاکداشتن حقوق مردم غیرنظامی در مغولستان، منچوری و کره و همچنین رفتار نازی‌ها در فرانسه و کشورهای اشغال‌شده فراموش نشده است.



نگاه

آوارگی به‌منزله نمایش عمومی تعذیب ملت‌ها



مینو مرتاضی‌لنگرودی

تطور با عبور و گذار از دوران کنونی به دوران نو، فی‌نفسه با هیجان و اضطراب و آشوب همراه است. تن آدمی جایگاه و جولانگاه این آشوب‌ها و اضطرابات است… بدن آدمی به طور طبیعی در قبال دو وجه ایستایی در هر مرحله و نیز عبور از دوران مقاومت می‌کند. به این معنا که هم‌زمان با فراهم‌آوردن مقدمات و تمهیدات مربوط به بالندگی آدمی، سازوکارهای مقاومت در قبال عبور را هم شکل می‌دهد. قابلیت‌های آدمیان برای رسیدن به دوران بعدی در رویارویی با الزامات عبور تحقق می‌یابد. به‌عنوان مثال، طوره‌بورشدن چنین به نوزاد و عبور از نوزادی که کودک‌ی و نوجوانی و بلوغ بدون تحمل بحران‌های ناشی از قطع دلبستگی به عادات مالوف و اضطراب قدم‌نهادگی به دوران ناشناخته امکان‌پذیر نیست.

هر ملتی از طریق تاریخ و فرهنگ و زبان مشترک، بدن و پیکری برای خود می‌سازد. این تن و بدن ملی هم جولانگاه اضطرابات ملی است و براساس این نکرش و برپایه نیازهای مشترک انسان‌ها باوجود تفاوت‌ها به‌منزله «بنی‌آدم اعضای یک پیکرند» یکدیگر را درمی‌یابند و با هم در ارتباط متقابل قرار می‌گیرند. در دوران نو این تعبیر فلسفی وحدت‌بخش کهن چنان خوشایند ملل قرار می‌گیرد که آن را بر سرِ در سازمان تازه‌تأسیس ملل متحد می‌نویسند.

صرف‌نظر از اینکه هر انسان یا هر ملتی چگونه رنج عبور دوران و تطور را طی می‌کند یا کرده است، به نظر می‌رسد امروز‌روز تعذیب بدنی و جسمانی فراگیرِ دوران قرون وسطا از رفتاری درون‌قبایلی و درون‌گروهی به سمت تعذیب جسمانی و غیرجسمانی ملت‌هایی که در برابر نمردن از فقر و فساد مقاومت می‌کنند میل کرده است، بدن‌های گرسنه و در معرض تجاوز و تحقیر واقع‌شده آدم‌هایی که گاهی جز ساکن منطقه یا کشوری خاص‌بودن ندارند، چنان آشنا و عادی شده است که کاریکاتوریست‌های بسیاری‌ماهر دنیای غرب را واداشته برای هورچوبیستر فاصله‌گرفتن از پیکره شرقی‌شان (که به گمان مستشرقین بخش زنانه و عاطفی پیکره جهان است) حتی به پیکر بی‌جان کودک سه‌ساله سوری هم رحم نکنند و او را سوزۀ کینه‌توزی‌ها و خودرنی‌های پیکر جهانی بنی‌آدم کنند. امروزه قدرت‌های جهانی علاوه بر جنگ که رسماً بدن‌های زنان و مردان فلسطینی، سوری، افغان و عراقی را به جرم اینکه فلسطینی یا عراقی، سوری و افغای هستند سرکوب می‌کنند، از طریق اعمال تکنیک‌های انضباطی تعذیب‌های غیرجسمانی را هم بر آنها تحمیل می‌کنند. آوارگی شکل غیرجسمانی عذاب است. فوکو، فیلسوف فرانسوی، تکنیک‌های انضباطی را شیوه‌های اعمال قدرت می‌داند. در جوامع لیبرال که براساس تعاریف رایج، توسعه‌یافته تلقی می‌شوند نیازی به استفاده از خشونت برای تحمیل انتخاب‌ها و ترجیح‌های کرداران را و کفکاری بر مردم وجود ندارد اما قدرت از طریق تکنیک‌های انضباطی، افراد و ملت‌هایی را که از قواعد بازی اقتصاد سیاسی بساخته سربچی می‌کنند مجازات می‌کند. آوارگی مجازات ملت‌هایی است که به هزار دلیل اجازه ندارند در نظم بازی برنامه‌ریزی‌شده اقتصاد سیاسی دخالت کنند یا حتی از این بازی خود را بیرون بکشند. جای تعجبی وجود ندارد وقتی با هجوم میلیونی آوارگان خواستار آزادی و آسایش از نوع غربی‌اش روبه‌رو شویم، بسوی غرب مواجه شویم. خشونت پنهان و زیرپوستی موجود در تعذیب غیرجسمانی ملت‌های منطقه و آواره‌سازی آنها این است که همان قدرتی که از طریق تکنیک‌های انضباطی و دست‌برقضا با شعارهای حقوق‌بشری، به یکسان‌سازی موزاییکی و غارت سرمایه‌های ملت‌های منطقه اقدام کرده است با خشونت پیچیده‌تری آوارگان را تهدید می‌کند و برای مالبایات‌دهندگان اروپایی و نظام سیاسی اجتماعی غرب معرفی می‌کند و این خشونت است که بنی‌آدم را از اعضای یک پیکرشدن و باهم‌بودن بازمی‌دارد و جهان را از دستیابی به اخلاق سیاسی به‌منزله با هم در صلح‌وصفا‌بودن محروم می‌کند و درعین‌حال مانع عبور کم‌وبیش هماهک و بهنجار ملت‌ها از فعلیت و هم‌اکنون به آینده و فردا می‌شود.

در دوران نو با قدرت‌گرفتن نظام اندیشه مبتنی‌بر سرمایه و سود و مصرف و سلطه تفکر عقلانیت ابزاری بر قدرت، جهان شاهد کشته و آواره‌شدن میلیون‌ها زن و مرد و کودک در میادین جنگ و تخریب هکتارها جنگل و تبدیل آنها به پول و اراضی آلوده به عوارض ناشی از سلاح‌های آغشته به مواد سمی و شیمیایی و زباله‌های بازمانده از عبور ده‌ها میلیون انسان آواره‌ای است که هزاران‌سال در هم‌دستی و همکاری با طبیعت کار و زندگی می‌کردند. تلفات انسانی و طبیعی صدسال اخیر کرم‌زمین به اندازه تلفات و تخریب هزاران‌سال‌سال زندگی انسانی در دوران پیشاصنعت بوده است. وجود میلیون‌ها انسان جنگ‌زده و آواره از وطن در سراسر جهان حکایت از خشونت‌های بالقوه پنهانی دارد که پیکره جهانی انسان را در سطره خود می‌گیرد. با چنین معلولیتی صلح و توسعه پایدار جهانی به‌منزله رؤیاییی دست‌نیافتنی جلوه می‌کند.

پیشخوان

طلاق در «شهر کتاب»

شماره تازه ماهنامه «شهر کتاب» با پرونده‌های متنوع در حوزه ادبیات، هنرهای تجسمی و کتاب روانه بازار شده است. در سومین شماره این نشریه، موضوع اصلی «طلاق» است؛ اما نه به‌عنوان یک آسیب اجتماعی بلکه به‌عنوان یک وضعیت جمعیتی؛ «در» این شماره کوشیده‌ایم از جنبه‌های تازه و گوناگون به طلاق نگاه کنیم و رد آن را در مباحث حقوقی، جامعه‌شناختی و حتی هنری پیگیری کنیم». در بخش تاریخ شفاهی، این مجله نگاهی تازه داشته است به زندگی بهمن محمصص از خلال سه نوشته که یکی از آنها، روایت‌هایی است از آخرین روزهای زندگی این نقاش و مجسمه‌ساز و نوع نگاه او به پدیده‌های تازه و کهنه‌ای که از «رستم و سهراب» شروع می‌شود تا «اینترنت» و «عکاسی توریستی». در حوزه موسیقی هم این مجله گفت‌وگوی مفصلی دارد با رامین صدیقی درباره نشر هرمس که برنده جایزه بهترین ناشر موسیقی جهان شده است. گفت‌وگو با شهرام مکرری درباره فیلمش که پس از هشت‌سال اجازه اکران یافته و یادی از ایرج کریمی در بخش سینما خواندنی است.



ملاح نیکبخت

جنگ سوریه و کشتاری که در حوزه سرزمینی آن صورت گرفت، در نوع خود و در جهان بی‌نظیر است. این جنگ ابتدا بدون مداخله کشورهای دیگر آغاز شد و مخالفان تظاهرات خود را از درعا در جنوب سوریه شروع کردند. اما در ادامه به جنگی وکالتی تبدیل شد و کشورهای زیادی مستقیم یا غیرمستقیم درگیر در آن شده و طرف دعوا شدند. ورود ترویرست‌ها از تمامی کشورها به‌ویژه از مسیر ترکیه و کمک‌های آشکار و پنهان این کشور از نظر تسهیل ورود آنها به سوریه و نیز کمک‌های مالی کشورهای نفت‌خیز برای تأمین امکانات تدارکاتی و پزشکی در بین‌المللی‌شدن این جنگ اهمیت اساسی داشت. همین امروز نیز دولت ترکیه تحت عنوان مبارزه با داعش به نیروهای کشورهایی ازجمله روسیه که صادقانه و به اقرار مراجع بین‌المللی در مبارزه با داعش درگیر هستند، حمله می‌کند و به‌جای جنگ با داعش آنان را در شمال سوریه هدف قرار می‌دهد. ورود ترویرست‌ها